

استاد یوسف ثبوتی بنیانگذار علم نجوم، اختر فیزیک و کیهان شناسی نوین در ایران

دکتر احمد شیخی^۱

در ابتدای این نوشتار از اینکه به خود اجازه داده‌ام که درباره استاد بزرگوار جناب آقای دکتر ثبوتی که به حق بنیانگذار علم نجوم، اختر فیزیک و کیهان شناسی نوین در ایران است، چند سطر بنویسم، از محضر استاد عذرخواهی می‌کنم. همچنین لازم می‌دانم این نکته را عرض کنم که اگر در این نوشته تعریف و تمجیدی از استاد کرده‌ام، فقط بیان گوشه‌ای از خاطرات اینجانب بوده است و سخن گزاف نبوده است. چون حقیقتاً اعتقاد دارم که جناب استاد ثبوتی یکی از پیشگامان و بنیانگذاران اصلی فیزیک نوین در ایران بوده و هست و حق بسیار زیادی بر جامعه دانشگاهی و مخصوصاً جامعه فیزیک ایران دارند.

سابقه آشنایی اینجانب با استاد ثبوتی به دوران دبیرستان و سال‌های ۷۳ و ۷۴ برمی‌گردد. در آن سال‌ها استاد ثبوتی تنها فیزیکدانی بود که من به‌عنوان دانش‌آموز دبیرستانی می‌شناختم. مصاحبه‌هایش را در مجلات و روزنامه‌ها می‌خواندم و گاهی اوقات هم در تلویزیون می‌دیدم. آوازه شهرتش را در بخش فیزیک دانشگاه شیراز شنیده بودم. به همین دلیل وقتی که خواستم رشته فیزیک را برای ادامه تحصیل انتخاب کنم، با وجود آنکه می‌توانستم دانشگاه‌های تهران را قبول شوم، ولی به واسطه فیزیکدانان بزرگی که در بخش فیزیک دانشگاه شیراز بودند، که در رأس آنها دکتر ثبوتی قرار داشت، تصمیم گرفتم دانشگاه شیراز را برای تحصیل انتخاب کنم. خوب یادم هست که در یکی از مصاحبه‌هایش استاد

۱-استاد فیزیک دانشگاه شیراز، همکار مدعو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم

ثبوتی به نیکی از گذشته دانشگاه شیراز یاد کرده بود؛ اینکه اولین دانشگاهی بوده که سیستم تحصیلی براساس ترمی - واحدی را در ایران بنا نهاده است. اینکه اولین دانشگاهی در ایران بوده که ارتقای اعضای هیأت علمی را بر مبنای پژوهش استوار کرده است. اینکه بسیاری از دانشگاه‌های دیگر برنامه‌های خود را از دانشگاه شیراز اقتباس می‌کرده‌اند.

اولین دوره دکتری فیزیک در ایران را استاد ثبوتی در سال ۱۳۶۷ با حضور پروفسور عبدالسلام، فیزیکدان مشهور پاکستانی و برنده جایزه نوبل فیزیک، در دانشگاه شیراز راه اندازی کرد و نخستین دانشجوی دکتری فیزیک داخل ایران تحت نظر ایشان در همان دانشگاه در سال ۱۳۷۰ از رساله دکتری خود دفاع نمود. برخی از دانشمندانی که امروز بر تارک علمی کشور می‌درخشند بی‌واسطه یا با واسطه شاگرد استاد ثبوتی بوده‌اند. اینجانب شاگرد شاگرد استاد ثبوتی بوده‌ام. استاد در یکی از مصاحبه‌هایش نحوه استخدامش در دانشگاه شیراز را به این صورت شرح داده بود: من در سال ۱۳۴۲ به دانشگاه شیراز آمدم و با مرتبه دانشجویی و با حقوق ماهانه ۵ هزار تومان به استخدام این دانشگاه درآمد. خودش می‌گوید وقتی به ایران برگشتم به دانشگاه‌های تهران و شیراز درخواست کار دادم. دانشگاه تهران موافقت کرد با حقوق ماهیانه ۱۰۰۰ تومان و دانشگاه شیراز به من حقوق ماهیانه ۵۰۰۰ تومان را پیشنهاد کرد و طبیعی بود که من دانشگاه شیراز را انتخاب کردم. در آن موقع بخش فیزیک دانشگاه شیراز تازه شروع به کار کرده بود. حضور استاد ثبوتی در بخش فیزیک دانشگاه شیراز آغاز فعالیت علمی و پژوهشی این بخش بود. دکتر ثبوتی را می‌توان به حق بنیانگذار بخش فیزیک دانشگاه شیراز دانست. با همت دکتر ثبوتی دوره کارشناسی ارشد فیزیک در سال ۱۳۴۶ در بخش فیزیک دانشگاه شیراز راه اندازی شد. نظریه نسبیت عام اینشتین، که یکی از نظریه‌های مهم در فیزیک نوین است، در دانشگاه‌های ایران برای نخستین بار به وسیله استاد ثبوتی به صورت یک درس مدون در دهه ۱۳۵۰ و در دانشگاه شیراز تدریس شد. یکی از بزرگترین و ارزشمندترین کارهای استاد ثبوتی تأسیس رصدخانه ابوریحان بیرونی دانشگاه شیراز بود. این رصدخانه که در سال ۱۳۵۴ با همکاری دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا و به همت دکتر ثبوتی راه اندازی شد، در طی بیش از ۳ دهه به عنوان فعال‌ترین و بزرگترین رصدخانه پژوهشی کشور فعالیت می‌کرد و ده‌ها دانشجوی دکتری و کارشناسی ارشد در گرایش نجوم و اختر فیزیک از دانشگاه‌های مختلف ایران در این رصدخانه به پژوهش در زمینه اجرام سماوی پرداخته‌اند. نکته جالب دیگر در مورد

دکتر ثبوتی اینکه ایشان بیش از ۵۰ سال است که در حوزه‌های مختلف فیزیک به پژوهش و تحقیق مشغولند و حتی در سن بالای ۸۰ سالگی خودشان دست به قلم شده و محاسبات کار پژوهشی‌شان را انجام می‌دهند. چنین ویژگی اگر بی‌نظیر نباشد، لاقلاً کم‌نظیر است. این در حالی است که اغلب محققان بعد از مدتی که در زمینه پژوهشی فعالیت کردند و مراحل ارتقای علمی خود را طی نمودند، بیشتر کارهای محاسباتی خود را به دانشجویان سپرده و حوصله دست به قلم شدن را ندارند!

اینجانب برای اولین بار از نزدیک استاد ثبوتی را در سال ۱۳۷۷ در بخش فیزیک دانشگاه شیراز دیدم. در این سال ما به‌عنوان دانشجوی ترم اول کارشناسی، تازه وارد این بخش شده بودیم و دکتر ثبوتی چند سالی بود که مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان را راه‌اندازی نموده بود و به همین دلیل بین شیراز و زنجان در رفت‌وآمد بود. در آن سال‌ها دکتر ثبوتی مکانیک آماری پیشرفته به دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شیراز تدریس می‌کرد. ما به‌عنوان دانشجوی ترم اول کارشناسی اوقات فراغت خود را در محوطه سرسبز جلوی بخش و در کنار درختان نارنج می‌نشستیم و دکتر ثبوتی با شکوه تمام و با آن پالتوی مشکی بلند از جلوی ما می‌گذشت و وارد بخش فیزیک می‌شد. برخی اوقات جسارت می‌کردیم و جلومی‌رفتیم و سلامی می‌دادیم که دکتر هم با همان غرور و ابهت معناداری که آدم را مجذوب می‌کرد، گاهی با بی‌تفاوتی و سردی جواب سلام‌مان را می‌داد، گاهی هم نه. اما جواب ندادنش هم برای ما زیبا و هیجان‌انگیز بود. گاهی با سایر دانشجویان سال اولی بر سر این موضوع که دکتر ثبوتی جواب سلام چه کسی را می‌دهد و جواب سلام چه کسی را نمی‌دهد، قرار می‌گذاشتیم. در بین هم‌کلاسی‌های ما آقای بهتاش بهین‌آیین بود که چون پدرش از استادان قدیمی بخش فیزیک بود، استاد ثبوتی از قبل او را می‌شناخت و به همین دلیل هم معمولاً دکتر جواب سلامش را می‌داد و تحویلش می‌گرفت. در خردادماه سال ۱۳۷۸ در جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان ورودی ۱۳۷۴ از مقام علمی و ۳۶ سال خدمت ارزشمند استاد ثبوتی در دانشگاه شیراز تجلیل به عمل آمد و از آن به بعد استاد ثبوتی رسماً از دانشگاه شیراز خداحافظی کرد و همه تلاش و همت خود را صرف تکمیل و گسترش نهال نوپایی کرد که چند سال قبل در زادگاهش زنجان کاشته بود. در آن سال‌ها مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان سیاست جذب برترین دانشجویان و استادان فیزیک دانشگاه‌های ایران را دنبال می‌کرد. یکی از برنامه‌هایی که این مرکز داشت و شاید

هنوز هم داشته باشد این بود که رتبه‌های اول تا سوم هر دانشگاه را در رشته فیزیک، که در حال تحصیل در سال سوم و یا چهارم کارشناسی بودند، برای شرکت در یک کارگاه یک هفته‌ای به زنجان دعوت می‌کرد و بهترین استادان دانشگاه‌های ایران را به عنوان مدرس به این کارگاه‌ها دعوت می‌کردند. اینجانب بهمن‌ماه سال ۱۳۷۹ در حالی که دانشجوی سال سوم کارشناسی بودم به یکی از این کارگاه‌ها دعوت شدم. در آن کارگاه استادان جوان و برجسته‌ای چون دکتر وحید کریمی پور و دکتر رامین گلستانیان از مدرسان ما بودند و هرکدام سعی می‌کردند با سخنرانی‌های جذاب خود گوشه‌ای از علم فیزیک را معرفی نمایند. به خاطر دارم در یکی از سخنرانی‌ها ما متوجه شدیم که در حین سخنرانی، استادان و مسئولان مرکز هرکدام برای چند دقیقه به بیرون می‌روند و مجدداً برمی‌گردند. کنجکاو شدیم چه اتفاقی افتاده است، وقتی سؤال نمودیم پاسخ دادند که امروز خبر برگزیده شدن استاد ثبوتی در جشنواره بین‌المللی خوارزمی به ایشان اعلام شده و همگان برای عرض تبریک خدمت ایشان می‌رسند. اگر اشتباه نکنم موضوع طرح ایشان نوسانات ستاره‌ای بود. در روز آخر کارگاه هم خود استاد ثبوتی برای ما سخنرانی کردند و از نحوه برخورد با علوم نوین نکاتی را به ما گفتند. یکی از حرف‌های ایشان این بود که اگر می‌خواهیم در علوم نوین پیشرفت کنیم باید فرهنگی را هم که همراه این علوم نوین هست بپذیریم. نمی‌شود خود دانش نوین را بپذیرفت ولی فرهنگی که همراهش هست را به طور کلی طرد نمود. در همان کارگاه من از دکتر کیومرث کریمی مشورت گرفتم و گفتم که متأهل هستم و می‌خواهم در رشته کیهان‌شناسی ادامه تحصیل بدهم به نظر شما کجا را انتخاب نمایم با قطعیت گفت دانشگاه شیراز و سعی کن زیر نظر دکتر ریاضی کار کنی. این بود که من دانشگاه شیراز را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم و افتخار شاگردی یکی از شاگردان استاد ثبوتی را یافتم. بعد از آن در کنفرانس‌های مختلف ایشان را زیارت می‌کردیم. سال‌ها گذشت و بنده دوره کارشناسی-کارشناسی ارشد و دکتری خود را در دانشگاه شیراز سپری نموده و به عنوان هیأت علمی مشغول کار شدم.

خاطره دیگری که از دکتر ثبوتی دارم به سال ۱۳۸۸ برمی‌گردد زمانی که کنفرانس سالانه نجوم و اخترفیزیک ایران در دانشگاه شیراز برگزار می‌شد و استاد ثبوتی هم به عنوان سخنران ویژه افتتاحیه در این کنفرانس حضور داشتند و قرار بود راجع به ماده تاریک سخنرانی داشته باشند. به خاطر دارم در ابتدای مراسم دکتر بردبار به عنوان دبیر همایش پشت تریبون

رفت و پس از برشمردن خدمات علمی استاد ثبوتی به جامعه فیزیک ایران و خصوصاً بخش فیزیک دانشگاه شیراز گفت که استاد ثبوتی به نوعی در تأسیس رصدخانه ابوریحان بیرونی هم نقش داشته است و زحمات شایانی برای تأسیس آن رصدخانه کشیده است. بعد از آن نوبت سخنرانی خود استاد ثبوتی شد که سخنانش را این چنین آغاز کرد: آقای بردبار شاید سن‌شان اقتضا نکند و آن روزها را به یاد نیاورد. اولاً وقتی که بنده سال ۱۳۴۲ به شیراز آمدم و بخش فیزیک آن راه‌اندازی کردم آقای بردبار هنوز متولد نشده بود! ثانیاً بنده در تأسیس رصدخانه ابوریحان بیرونی به نوعی نقش نداشته‌ام بلکه به عینه نقش داشته‌ام. من برای تأسیس رصدخانه ابوریحان بیرونی، کیسه سیمان روی شانه‌هایم گذاشته‌ام و بالای کوه برده‌ام. من خودم رصدخانه را تأسیس کرده‌ام نه اینکه به نوعی در تأسیس آن سهم داشته‌ام. خوب یادم هست که حضار با تشویق‌های ممتد حرف‌های استاد را تأیید کردند و به حق هم استاد درست می‌گفت. ایشان مؤسس رصدخانه ابوریحان بیرونی است و این کار را با تلاش و همت بالایی خود انجام داده است. همچنان که مؤسس دانشگاه تحصیلات تکمیلی در علوم پایه زنجان نیز هست که خدمات بسیار ارزشمندی به پیشبرد علوم پایه در کشور داشته است و دانشمندان بزرگی را به این مرز و بوم تقدیم داشته است.

این بود گوشه‌ای از خاطرات اینجانب از استاد یوسف ثبوتی پدر علم نجوم، اختر فیزیک و کیهان‌شناسی نوین در ایران.